

ایده‌های انتخاباتی یک کانیدای بالقوه

رکود ایده‌های انتخاباتی (جرايد)



کارتون: عميد صالحی

● **خبرنگار:** خوانندگان عزیز بلخمون! در خدمت یکی از علاقه‌مندان به نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری هستیم. دوست عزیز، خودتون رو معرفی می‌کنین؟

● **علاقه‌مند:** بله!

● **خبرنگار:** بله؟ خب معرفی کنین دیگه!

● **علاقه‌مند:** آهان، از اون لحاظ! بنده علاقه‌مند هستم. او دم اینجا تا برای ریاست جمهوری ثبت نام کنم و از این طریق مشیت محکمی به دهان باوه‌گویان بزنم.

● **خبرنگار:** حالا به باوه‌گویان هم می‌رسیم. فعلاً از خودتون بگین: تحصیلات، تجربیات، کارهای اجرایی و... رزومه شما چیه؟

● **علاقه‌مند:** من کلاً علاقه‌مند هستم. از کودکی علاقه‌مند بودم به تحصیلات و کسب تجربه. بزرگ‌تر که شدم، علاقه‌مند شدم به کارهای اجرایی، سیاست، ورزش، اقتصاد، جامعه، امور بین‌الملل، مسائل زیست‌محیطی، روان‌شناسی، تئاتر و سینما و تلویزیون، کتاب، آبیان گوشتی، ماکیان تخم‌گذار، اسیدهای چرب اشباع، سیارات فراکهنکشان، کلاً هر چیزی که توی فضاست و...

● **خبرنگار:** آهان، پس شما از اون کانیداهای فضایی خواهید شد! با توجه به رکود ایده‌های انتخاباتی و تکراری شدن حرفای کانیداهای از پویش‌های تبلیغاتی خودتون بگین.

● **علاقه‌مند:** اتفاقاً سؤال خوبی کردین. من توی ستاد انتخاباتی‌م چلوکباب نمی‌دم، می‌گم هرکی قابلمه خودش رو بپازد و قابلمه پارتی راه می‌ندازیم. پولی هم به مسئولان ستاد نمی‌دم، می‌گم هرکی تونست اسپانسر جذب کنه، به پورسانتی هم برای خودش برده. الان مشاهده می‌کنین که همه، پیر و جوان

صفحه ۴
۲۶ خرداد ۱۴۰۳
شماره ۱۰۸

خسته می‌شن که نای اعتراض کردن نخواهند داشت و هم کم‌کم دیگه به هیچ اداره‌ای مراجعه نمی‌کنن و می‌تونیم کارمندی اضافی رو که سربار دولت هستن، حذف کنیم. برای رفع مشکل بیکاری، به هر جوان یک تیغ می‌دم و می‌گم سر هم رو بتراش تا هم سرگرم بشن و هم کارآفرینی کرده باشیم. برای حل مشکل مسکن هم به هر شهروند به کامیون آجر و به فرغون سیمان می‌دم و می‌گم برین هر جا دلتون خواست، توی در و دشت، خونه بسازین. برای سرعت و فیلترینگ اینترنت هم گوشبای جدیدی که قبلاً داده بودیم به هم وطنای عزیز، اصلاً قابلیت اتصال به نت نخواهد داشت و دیگه کسی غر نمی‌زنه. برای... ● **خبرنگار:** باتشکر از شما، امیدوارم دستکم بتونین وارد ستاد انتخابات بشین، ثبت نام و تأیید صلاحیت و رئیس جمهور شدن طلبمون!

سرشون توی گوشیه یا روی همستری زن، با چرت و پرت برای بقیه می‌فرستن. بنده از همین تربیون اعلام می‌کنم که اگه رئیس جمهور بشم، کاری می‌کنم که هر کسی با ضربه زدن به گوشی تلفنش یه مبلغ کلونی بیاد توی حسابش...

● **خبرنگار:** از کجا این پول رو می‌آرین؟

● **علاقه‌مند:** آهان، روز قبل از تصویب اون قانون، یه قانون دیگه تصویب می‌کنم که مردم گوشیاشون رو به ما تحویل بدن و یه گوشی ضدضربه که خودمون وارد کردیم، بگیرن تا هرچی ضربه می‌زنن بهش، واکنشی نشون نده! یا برای کاهش مصرف انرژی، ساعت رسمی کشور رو دوازده ساعت جلو می‌کشم، یعنی ساعت ۷ شب مردم باید برن سرکار و ساعت ۲ نصف شب برگردن خونه. این طوری هم در مصرف گاز و برق صرفه جویی می‌شه، هم مردم اون قدر

و از زاویه‌ای درست این داستان رو ببینن. نکته اول اینکه جناب میگ همیشه به نفر دنبالش بوده تا بخورنش و اون مجبور می‌شده این شکلی فرار کنه. من فکر می‌کنم این مورد برای جوانای میگ میگی امروزی و دیروز صادق نباشه. نکته دوم اینکه ایشون با پای پیاده می‌دویده و سوار ماشین

می‌شود، دست و جیغ و هورا. بیشتر شما با شخصیت دوست داشتنی میگ میگی آشنایی کافی و وافی دارین. بعضی جوانای امروز و دیروز این شخصیت رو به عنوان الگوی راندگی شون انتخاب کردن. به نظر من چند نکته برای این افراد باید مهم باشه تا بتونن با چراغی روشن

خودش رو ارتقا بده تا هم برای خودش مثبت باشه و هم برای اطرافیان و جامعه‌ای که توی اون زندگی می‌کنه. به هر حال، می‌خوام امروز شما رو با یکی از این الگوهای که جوانای امروزی و دیروزی خواسته یا ناخواسته برای خودشون انتخاب کردن، آشنا کنم. معرفی می‌کنم: «میگ میگ وارد

بیشتر آدم‌ها برای کل یا بخشی از زندگی شون الگوهایی دارن و سعی می‌کنن رفتار و کرداری مثل اونا داشته باشن. انتخاب الگو از جهاتی کارپسندیده و از جهات دیگه کار غیرپسندیده‌ایه. چون به نظر بنده هر شخصی باید با توجه به شرایط و شخصیت درونی، خودش الگوی خودش باشه و سعی کنه در همین راستا

لطفا
میگ میگ
چارچرخ
نباشین!



فرهنگ شهروندی
فرهاد ناجی